



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۵

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس - عدم وجوب مسح بر پوست سر

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و لا يجب كونه على البشرة، فيجوز أن يمسح على الشعر النابت في المقدم بشرط أن لا يتجاوز بمده عن حد الرأس، فلا يجوز المسح على المقدار المتجاوز و إن كان مجتمعاً في الناصية و كذا لا يجوز على النابت في غير المقدم و إن كان واقعاً على المقدم»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب نیست که مسح بر پوست سر باشد، پس جایز است که بر مویی که جلو سر می‌روید، مسح شود به شرط اینکه هنگام مسح کشیدن، مو از حد سر تجاوز نکند، پس جایز نیست که بر مویی که از حد سر تجاوز کرده است، مسح شود؛ هرچند که [آن موهایی که از حد سر تجاوز کرده‌اند] در ناصیه جمع شده باشند و همچنین، جایز نیست که بر مویی که در غیر جلو سر روییده است، مسح شود؛ هرچند که آن موها در جلو سر قرار داده شده باشند [، یعنی جایز نیست که شخص، مویی که مثلاً در پشت سرش روییده است را جلو سرش جمع کند و بر آن مسح کند].

#### دلیل حکم مذکور

گفته‌اند که عدم لزوم مسح بر پوست سر، اجماعی است و هیچ یک از علما نگفته است که مسح سر الزاماً باید بر پوست سر باشد، بلکه گفته‌اند که مسح بر مویی که در جلو سر روییده است، جایز است. آیت الله حکیم (ره)<sup>۲</sup> و آیت الله خویی (ره)<sup>۳</sup> در رابطه با عدم لزوم مسح بر پوست سر و جواز مسح بر موی سر علاوه بر اجماع، ادعای ضرورت کرده‌اند و گفته‌اند که مسأله ضروری است.

به علاوه اطلاق کتاب و سنت نیز بر عدم لزوم مسح بر پوست سر دلالت دارند: آیه شریفه: «...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ...»<sup>۴</sup>، به اطلاقش بر عدم لزوم مسح بر پوست سر دلالت دارد، بلکه جواز مسح بر مویی که جلو سر می‌روید را نیز شامل می‌شود.

همچنین، روایاتی که در باب وضو وارد شده‌اند که در جلسات گذشته به آنها اشاره شد و تعبیر «فَيَمْسَحُ عَلَى مُقَدِّمِ رَأْسِهِ» در آنها به کار رفته بود به اطلاقشان بر عدم لزوم مسح بر پوست سر دلالت دارند و اطلاق آن روایات علاوه بر مسح سر، مسح بر مویی که جلو سر می‌روید را نیز شامل می‌شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. سید محسن، حکیم طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۳. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۱۵۰.

۴. «المائدة»: ۶.

همچنین، روایاتی که در آنها تعبیر «ناصیه» به کار رفته بود نیز اعم از این است که مسح بر پوست ناصیه [بین البیاضین] باشد یا مسح بر مویی باشد که در ناصیه روییده است.

بعضی گفته‌اند که از روایت مرفوعه ذیل خلاف آنچه ذکر شد، استفاده می‌شود، یعنی از این روایت استفاده می‌شود که لازم است که مسح بر پوست سر باشد و مسح بر غیر آن جایز نیست:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الَّذِي يَخْضِبُ رَأْسَهُ بِالْحِنَاءِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي الْوُضُوءِ؛ قَالَ: «لَا يَجُوزُ حَتَّى يُصِيبَ بَشْرَةَ رَأْسِهِ بِالْمَاءِ»<sup>۱</sup>.

گفته‌اند که روایت مذکور بر لزوم مسح بر پوست سر دلالت دارد.

#### اشکال به استدلال به روایت مذکور

اولاً: روایت مذکور، مرفوعه است لذا سنداً ضعیف است و قابل استناد نیست.

ثانیاً: دلالت روایت مذکور نیز تمام نیست چون لزوم مسح بر پوست بر این دلالت ندارد که مسح بر موی جلو سر جایز نیست چون «بشرة» در مقابل جسم خارجی است و در مقابل «شعر» نیست بنابراین، مراد از «بشرة» معنایی اعم از پوست سر و موی سر است که در مقابل جسم خارجی است و در محاورات، متعارف است که وقتی گفته می‌شود که دست به سر بکشید، اعم از این است که دست به پوست سر کشیده شود یا دست به موی سر کشیده شود.

البته مسح بر موی سر در فرضی است که قیودی که در کلام مرحوم سید (ره) آمده بود، لحاظ شود، یعنی مسح باید بر موی جلو سر باشد و آن مو از حد سر تجاوز نکرده باشد و موی دیگری نباشد که در جلو سر جمع شده باشد. بنابراین، در هنگام مسح سر، می‌شود مسح سر را بر موی جلو سر انجام داد و لازم نیست که مسح بر پوست سر باشد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و لا يجوز المسح على الحائل من العمامة أو القناع أو غيرهما و إن كان شيئاً رقيقاً لم يمنع عن وصول الرطوبة إلى البشرة»<sup>۲</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، مسح بر حائل [سر] از عمامه یا مقنعه یا غیر این دو جایز نیست؛ هرچند که آن حائل، چیز نازکی باشد که مانع از رسیدن رطوبت به پوست نباشد.

#### دلیل حکم مذکور

عدم جواز مسح بر حائل، اجماعی است.

همچنین، روایات نیز بر عدم جواز مسح بر حائل دلالت دارند که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) [أَيُّ الْبَاقِرِ (ع) أَوِ الْصَادِقِ (ع)] أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ وَعَلَى الْعِمَامَةِ؛ قَالَ: «لَا تَمْسَحُ عَلَيْهِمَا»<sup>۳</sup>.

همچنین، ادله‌ای که سابقاً به آنها اشاره شد که بر وجوب مسح بر «مقدم الرأس» دلالت داشتند نیز حاکی از عدم جواز مسح بر حائل است و طبعاً اگر حائلی وجود داشته باشد و روی آن مسح شود، مسح بر «مقدم الرأس» صدق نخواهد کرد. به خصوص

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۷، ص ۴۵۵، ح ۱.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۸، ص ۴۵۹، ح ۸.

اخباری که بر این دلالت داشت که اگر شخص عمامه‌ای بر روی سر دارد، هنگام مسح کشیدن آن عمامه را بردارد یا انگشت را زیر عمامه داخل کند و مسح کند.

بعضی گفته‌اند که روایات ذیل بر جواز مسح بر حائلی که روی سر است، دلالت دارند:

روایت اول: عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَخْضِبُ رَأْسَهُ بِالْحِنَاءِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي الْوُضُوءِ قَالَ: «يَمْسَحُ فَوْقَ الْحِنَاءِ»<sup>۱</sup>.

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَخْلِقُ رَأْسَهُ ثُمَّ يَطْلِيهِ بِالْحِنَاءِ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يَمْسَحَ رَأْسَهُ وَالْحِنَاءُ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>.

فقها گفته‌اند که دو روایت مذکور، بر تقیه یا ضرورت حمل می‌شوند چون عامه مسح بر حائل را مطلقاً جایز می‌دانند و یا مسح بر حائل در جایی که حائل نازک باشد را جایز می‌دانند.

لکن، بعضی از بزرگان بین این دو روایت با روایات دال بر عدم جواز مسح بر حائل جمع کرده‌اند؛ به این نحو که گفته‌اند که مقصود از حنا، رنگ حناست و خود حنا مراد نیست، بنابراین، رنگ حنا، جسم خارجی و حائل نیست لذا مسح بر آن اشکالی ندارد. عرض می‌شود که حمل روایات مذکور، بر رنگ حنا، خلاف ظاهر روایات است چون ظاهر روایات از این حکایت دارند که حناء روی سر است.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «نعم في حال الاضطرار لا مانع من المسح على المانع كالبرد أو إذا كان شيئاً لا يمكن رفعه»<sup>۳</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، مسح بر مانع [و حائل]، در حال اضطرار، مثل سرما یا چیزی که رفع آن ممکن نیست - تفصیل بحث از وجود مانعی که رفع آن ممکن نیست در بحث از وضوی جبیره خواهد آمد -، جایز است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، باب ۳۷، ص ۴۵۶، ح ۳.

۲. همان، ح ۴.

۳. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.